

سلمان آخش^۱

مقدمه

برنامه درسی^۲ یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی است. یکی از مباحث مطرح شده در رشته مطالعات برنامه درسی مربوط به عناصر برنامه درسی است، برنامه ریزان قبل از شیوه‌های اجرایی و عملی برنامه درسی باید به طراحی برنامه درسی بپردازند. در حوزه طراحی برنامه درسی^۳ عناصر تشکیل دهنده یک برنامه درسی و چگونگی کاربرد آن‌ها مطرح می‌گردد. از نظر هیلدا تابا^۴ (۱۹۶۲) طراحی برنامه درسی، بیانیه‌ای است که عناصر برنامه درسی را مشخص می‌کند و بیان می‌کند که چه ارتباطی با یکدیگر دارند، اصول و الزامات آن سازمان را برای شرایطی که تحت آن عمل می‌کند را نشان می‌دهد. یکی از عناصر مهم در برنامه درسی و آموزش، عنصر زمان^۵ است. از بین صاحب نظران برنامه درسی فرانسیس کلاین^۶ (۱۹۹۱) و اگر^۷ در طبقه‌بندی عناصر به عنصر زمان اشاره داشته‌اند.

مفهوم، اهمیت و جایگاه زمان در برنامه درسی

در تعریف مفهوم زمان می‌توان گفت که زمان از جمله منابع ارزشمند و محدودی است که در اکثر فعالیت‌های انسان نقش اساسی دارد. آیزنر^۸ (۲۰۰۲) زمان را از مهم‌ترین منابع آموزش و مدارس می‌داند و از نظر او رابطه بین میزان زمان اختصاص یافته به موضوعات و یادگیری آن‌ها معنادار است، به طوری که هر چه در طول هفته به یک موضوع درسی زمان بیشتر اختصاص یابد احتمال موفقیت و یادگیری در آن درس بیشتر است. از نظر معلمان و مربیان زمان تنها عامل محصورکننده تدریس و یادگیری به شمار می‌رود، به همین دلیل باید نهایت استفاده را از آن برد و هرگز نباید آن را هدر داد (آقازاده و احدیان، ۱۳۸۷).

یادگیری در صورتی درونی می‌شود که دانش آموزان فرصت درگیر شدن با مطالب را داشته باشند. از این رو کارول^۹ معتقد است استعداد نه به عنوان یک پدیده ثابت ارثی، بلکه به صورت مقدار زمانی که شخص نیاز دارد تا مطلبی را بیاموزد یا مهارتی را کسب کند، تعریف می‌شود (سیف، ۱۳۹۸).

زمان از منابع غیرقابل برگشت در سازمان‌دهی فعالیت‌ها که تمام فعالیت‌های انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. محدود بودن زمان و گستردگی فعالیت‌هایی که انسان به دنبال انجام آن است سبب می‌شود تا تناسب بین زمان و بهره‌وری فعالیت‌ها از دغدغه‌های اصلی باشد. استفاده نامناسب از زمان سبب اتلاف هزینه‌ها و منابع خواهد شد (بلوسی، ۱۳۸۵).

آنچه زمان به آن اشاره دارد این است که محتوای انتخاب شده به همراه استفاده از شیوه‌ها و مواد در جهت دستیابی به اهداف برنامه در یک چارچوب زمانی ارائه می‌گردد. برنامه درسی از لحاظ زمانی، بایستی به گونه‌ای ارائه گردد که به طور مؤثر شناخت و یادگیری

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان.

۲. Curriculum

۳. Curriculum Design

۴. Taba, Hilda

۵. Time

۶. Francis Klein

۷. Acker

۸. Eisner

۹. Carol

مطلوب را در فراگیران ایجاد نماید، چراکه هر محتوایی را نمی‌توان در هر قالب زمانی یاد داد. از این‌رو برنامه ریزان درسی هنگام تدوین برنامه درسی^{۱۰} باید این مؤلفه را مدنظر قرار دهند (مرزوقی همکاران، ۱۳۹۸).

به‌طور کلی تعلیم و تربیت در زمان صورت می‌پذیرد، بازمان به‌پیش می‌رود و ناگزیر از زمان تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین به نظر می‌رسد بهره‌گیری مطلوب و ثمربخش از زمان، تعلیم و تربیت را ثمربخش و مطلوب می‌سازد. در حقیقت یکی از مقومات تعلیم و تربیت پیشرو، زمان و آگاهی از مسائل مربوط به آن است، تدریس نیز اگر بخواهد سودمند و معطوف به نتیجه باشد باید با مدیریت بر زمان توأم گردد. لذا مناسب است فراگیر را متناسب با زمان آموزش داد و تربیت کرد، آموزش‌دهندگان دانش و اندوخته علمی خویش را به تناسب زمان افزایش و توسعه بخشند. همچنین اهداف آموزشی، محتوا، تکنولوژی و سایر عناصر برنامه درسی بازمان هماهنگ باشند.

دیدگاه‌ها و دستاوردها درباره عنصر زمان در آموزش و برنامه درسی

در خصوص عنصر زمان از سوی اندیشمندان داخلی و خارجی حوزه برنامه درسی دیدگاه‌ها، دسته‌بندی‌ها و مباحث مختلفی مطرح شده است که در ادامه به مهم‌ترین دیدگاه‌ها در این خصوص پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که از آنجایی که این مقاله یکی از عناصر برنامه درسی با عنوان زمان را بررسی می‌کند تأکید بر دیدگاه‌هایی است که به عنصر زمان در قالب طراحی برنامه درسی پرداخته‌اند و ارتباط آن را با عناصری چون محتوا و فعالیت‌های یادگیری و سایر عناصر مشخص نموده‌اند:

در بین اندیشمندان داخلی مطالعات برنامه درسی مهر محمدی (۱۳۸۹) در مورد نسبت برنامه درسی بازمان آن را به دودسته محدود و گسترده تقسیم کرد. **زمان در معنای محدود:** در این نوع نگاه زمان یک عنصر از عناصر برنامه درسی و به‌عنوان ظرف زمانی محتوی و فعالیت‌های یادگیری است. **زمان در معنای گسترده:** که در واقع همان فلسفه برنامه درسی است و ناظر به نوع، جنس، خصلت و جهت‌گیری‌های برنامه درسی و تبیین محیط زمانی حاکم بر برنامه درسی است. بدیهی است که رویکرد این مقاله بر اساس دیدگاه اول یعنی زمان در معنای محدود است که به زمان به‌عنوان یکی از عناصر برنامه درسی توجه شده است.

در تقسیم‌بندی دیگر (موسی پور، ۱۳۸۵، ص ۱۴) دو دیدگاه در رابطه بازمان و فرایند آموزش و پرورش را مطرح می‌نماید:

دیدگاه اول زمان به‌عنوان ظرف آموزش: در این دیدگاه زمان یکی از عوامل از پیش تعیین‌شده فعالیت‌های یاددهی یادگیری است و برنامه‌ریز ناچار است به توجه به محدودیت‌های آن، به تصمیم‌گیری اقدام کند. استدلال این گروه این است که عمر آدمی کوتاه است و باید در همین فرصت محدود به کسب تجربه پرداخت. دیدگاه حاکم بر برنامه‌ریزی آموزش و پرورش بیشتر کشورها همین دیدگاه است که در آن اهداف در سطح کلان و توسط سیاستمداران گرفته می‌شود.

دیدگاه دوم زمان به‌عنوان ابزار آموزش: در این دیدگاه، نقش محوری به هدف‌های آموزشی داده می‌شود و زمان به‌عنوان تابعی از هدف‌ها، لحاظ می‌شود. وقتی زمان به‌عنوان تابع هدف است، تحقق هدف‌ها مشخص می‌کند چه مقدار زمان به آموزش اختصاص یابد. به تبع این حکم، برنامه ریزان درسی مجاز هستند که مقدار زمانی را که برای تحقق هر یک از انواع هدف‌ها لازم است، مورد استفاده قرار دهند. در این نوع نگاه، به محدودیت‌های زمان توجه نمی‌شود. استدلال این دیدگاه این است که اولاً به هنگام انتخاب هدف‌ها اصول واقع‌بینی حاکم است و ثانیاً اگر هدفی حائز ارزش برای دستیابی است، پس باید زمان لازم را به آن اختصاص داد.

فتحی و اجارگاه (۱۳۸۸) اعتقاد دارد هنگامی که از عنصر زمان در برنامه درسی سخن به میان می‌آید، زمان اختصاص یافته برای ارائه محتوای برنامه درسی بیش از هر چیز توجه ما را به خود جلب می‌کند. به عبارت دیگر، زمان در برخی از نوشته‌های حوزه برنامه درسی به زمان اجرای برنامه درسی و گاهی نیز در جریان آموزش به اشتباه معادل برنامه درسی قلمداد می‌شود؛ اما زمان نه معادل برنامه درسی است و نه محدود به زمان ارائه محتواست (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۸).

در اسناد بالادستی کشور ایران و در بخش مبانی نظری سند تحول بنیادین تربیت رسمی و عمومی به پیوستگی زمان تحصیل در طول سال تحصیلی، زمان آموزش متناظر با ساختار کلان و خرد برنامه درسی، توجه به بُعد درون و برون مدرسه‌ای نیز به عنصر زمان توجه شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۴).

در بین اندیشمندان خارجی، کلاین (۱۹۸۵) نوع نگاه به عنصر زمان را در سه الگوی برنامه درسی به شکل زیر تبیین کرده است:
الگوی مبتنی بر موضوع درسی^{۱۱}: در این الگو به عامل زمان چون امکان محدود نگرینسته شده است که دانش آموز و معلم موظف‌اند، بیشترین استفاده را از این عنصر بکنند، معلم دانش‌آموز را درگیر تکالیف آموزشی می‌کند، همچنین زمان به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود و به هریک از موضوعات درسی ساعات خاصی اختصاص می‌یابد.

الگوی مبتنی بر دانش‌آموز^{۱۲}: در این الگو معلم زمان را انعطاف‌پذیر و از پیش تعیین نشده نگاه می‌دارد. زمان به صورت منبعی مطرح است که مسئولیت استفاده از آن برای رسیدن به هدف بر عهده دانش‌آموزان است، همچنین زمان یادگیری محدود به داخل و خارج از کلاس نیست و می‌تواند در هر موقعیت زمانی شکل بگیرد.

الگوی مبتنی بر جامعه^{۱۳}: عنصر زمان به‌عنوان یکی از امکانات عمومی، مطرح است که دانش‌آموز به اقتضای مسئله مورد مطالعه از آن استفاده می‌کند (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳). از سه الگوی حاضر الگوی مبتنی بر جامعه مبنای این مقاله است.
کاتون^{۱۴} (۱۹۸۹) زمان آموزش و یادگیری را متأثر از پنج عامل ۱- استعداد و ظرفیت یادگیری ۲- توانایی و قابلیت فراگیر برای فهم موضوع خاص ۳- تمرکز بر یک موضوع ۴- فرصت‌های یادگیری ۵- ماهیت موضوع یادگیری می‌داند.
کاتون تقسیم‌بندی خود را مبتنی بر تحقیقات آندرسون^{۱۵} (۱۹۸۳) و فیشر^{۱۶} همکارانش (۱۹۸۵) درباره عنصر زمان به شرح زیر بیان می‌کند.

زمان اختصاص یافته^{۱۷}: به میزان زمانی که برای آموزش در یک موضوع خاص تعیین می‌شود، بدون آن که به کیفیت اجرای آن پرداخته شود. مثلاً بر اساس سند ملی برنامه درسی ایران، زمان آموزش در هر یک از پایه‌های دوره ابتدایی ۹۲۵ ساعت است (سند ملی برنامه درسی، ۱۳۹۱).

زمان مدرسه^{۱۸}: به زمانی که صرف فعالیت‌های رسمی در مدرسه می‌شود و بیشتر به تعداد روزهای مدرسه اشاره دارد و معمولاً به صورت سالانه هفتگی و روزانه تعیین می‌گردد. این فعالیت شامل اجرای برنامه درسی، فوق برنامه، فعالیت‌های اجتماعی و فردی دانش‌آموزان در درون مدرسه است. به‌طور مثال در کشور ماسال تحصیلی از اول مهرماه شروع می‌شود برای بعضی از دانش‌آموزان خرداد تمام می‌شود و برای بعضی دیگر تا پایان شهریورماه سال بعد ادامه دارد.

زمان شروع^{۱۹}: به زمانی که فرد برای آموزش در مدرسه بر مبنای سن پذیرفته می‌شود، زمان شروع می‌گویند. زمان شروع، نشانگر آمادگی برای استفاده از آموزش است. در کشور ایران مبنای شروع آموزش در دوره ابتدایی و پایه اول ۶ سال تمام هست.

زمان کلاس^{۲۰}: میزان ساعتی که در هرروز در کلاس اختصاص می‌یابد و دانش‌آموزان آن را به‌طور مستمر تجربه می‌کنند. زمان کلاس تابع مقررات خاصی است و به کشش دانش‌آموز بستگی دارد. به‌طور مثال در دوره ابتدایی و برای هر پایه در طول هفته ۲۵

11. Curriculum-based model

12. Student-based model

13. Community-based model

14. Cotten.

15. Anderson

16. Fisher

17. Dedicated time

18. School Time

19. start time

20. Classroom Time

ساعت در نظر گرفته می‌شود. زمان هر جلسه در پایه‌های اول، دوم و سوم ۴۵ دقیقه و در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ۵۰ دقیقه هست.

زمان لازم برای موضوع درسی:^{۲۱} آن بخش از زمان است که صرف یک ماده درسی خاص می‌شود و به دانش ویژه و موضوع بستگی دارد. این زمان بر اساس هدف‌های موردنظر تعیین می‌شود و نشان دهنده اهمیت یک موضوع در نظام آموزشی است و در همین زمان است که بحث اولویت محتوا مدنظر قرار می‌گیرد که کدام برنامه درسی در اول وقت و کدام در آخر وقت ارائه گردد. مثلاً وقتی که در مدرسه تعیین گردد که در طول هفته در روزهای یکشنبه و سه‌شنبه در ساعت اول ۴۵ دقیقه به درس علوم پرداخته شود.

زمان درگیر شدن با موضوع درسی:^{۲۲} منظور مدت زمانی که دانش آموزان به موضوع درسی توجه کرده و در فرایند یادگیری شرکت دارند. زمان درگیر شدن، به تعاملات معلم و دانش آموز مربوط است و متأثر از تعداد دانش آموزان، شرایط کلاس درس، موضوع درس، توانایی معلم و انگیزه دانش آموزان است. مثلاً وقتی معلم در کلاس درس ریاضی در طول ۳۰ دقیقه برای ۲۰ دانش آموز پایه سوم مفهوم عمل ضرب کردن را تدریس کند و از آن‌ها سؤال کند و آن‌ها را به فعالیت‌های گوناگون مشغول نماید.

زمان مرده آموزشی:^{۲۳} زمانی که در طول هر کلاس یا ساعت درسی هیچ کاری در آن انجام نمی‌شود، زمانی که معلم به هر دلیلی در مدیریت آن زمان ناموفق بوده است. مثلاً در یک درس مهمی مثل علوم تجربی به دلیل عدم تسلط معلم بر کلاس درس دانش آموزان به بحث‌های حاشیه‌ای مثل ورزش بپردازند و آن وقت را تلف کنند.

زمان مدرسه، زمان شروع، زمان کلاس درس و زمان ماده درسی به‌صورت رسمی توسط نظام‌های آموزشی تعیین می‌شوند؛ اما زمان درگیر شدن با موضوع درسی یک مسئله مرتبط با تدریس است که مقدار آن را جو حاکم بر کلاس، یادگیرنده و معلم تعیین می‌کنند. با نگاهی به دیدگاه‌های ذکر شده در مورد عنصر زمان می‌توان گفت که در مبحث زمان در معنای محدود به عنصر زمان به‌عنوان ظرف زمانی محتوی و فعالیت‌های یادگیری اشاره شده است. در دیدگاه زمان به‌عنوان ابزار آموزش به سطح تصمیم‌گیری خرد (برنامه ریزان درسی) اشاره دارد و دنبال این است که برای تحقق هدف‌ها چه مقدار زمان لازم است و زمان موضوع درسی، زمان کلاس درس، زمان درگیر شدن را مشخص کند و به هدف‌های از پیش تعیین شده زمان اختصاص دهد. در قسمت الگوهای طراحی مبتنی بر جامعه که عنصر زمان را یک فرصت می‌دانند که برنامه درسی و فراگیران می‌توانند با توجه به شرایط از آن استفاده کنند. در زمان درگیر شدن با موضوع درسی به زمانی که فراگیران در کلاس درس به‌صورت فعال درگیر فعالیت‌های کلاسی هستند و در فرایند یادگیری شرکت دارند، اشاره دارد. در این دیدگاه‌ها سعی شده که عنصر زمان در بافت و زمینه طراحی برنامه درسی مورد تحلیل قرار گیرد. از این رو به‌عنوان مبنای این پژوهش قرار دارند.

نتیجه‌گیری

زمان یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در آموزش و برنامه درسی است که در تدوین برنامه‌های آموزشی و درسی باید به آن توجه کرد. اینکه می‌گویند زمان همه‌چیز است این جمله اهمیت زمان را نشان می‌دهد، اما هنوز در مورد نحوه استفاده‌ی درست از زمان در بین مردم و نظام‌های آموزشی تردید وجود دارد. زمان ابزاری است که برنامه ریزان قادر نیستند آن را افزایش دهند، زمان برای اثربخشی محدودیت می‌آفریند و مادامی که مدیریت زمان به‌دقت صورت نگیرد، یادگیری و یاددهی رو به ضعف و تحلیل می‌رود. همواره متناسب با ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی و همسو با پیشرفت‌های علمی، نقطه نظرات متفاوتی از سوی صاحب‌نظران نسبت به زمان آموزش و برنامه درسی وجود داشت که ابعاد مختلف آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ بنابراین بررسی و ارزیابی این مؤلفه مهم می‌تواند نتایج مهمی در جهت برنامه‌ریزی مؤثر در نظام آموزشی در برداشته باشد.

21. Instructional Time

22. Time- on- Task

23. Dead Time

منابع

- آقازاده، محرم؛ احدیان محمد (۱۳۸۷). *راهنمای روش‌های نوین تدریس برای آموزش و کارآموزی*. تهران: انتشارات آبیژ.
- بلوسی، عفت (۱۳۸۵). *بررسی اجمالی عنصر زمان و نقش آن در آموزش*. تهران کمیسیون برنامه درسی و تربیتی آموزش و پرورش.
- *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۹۱). نگاشت چهارم، دبیرخانه‌ی طرح تولید برنامه‌ی درسی ملی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). *اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی*. تهران: نشر دوران.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *مبانی نظری سند تحول بنیادین تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- مرزوقی، رحمت‌الله؛ ترک‌زاده، جعفر؛ جباری، سوسن؛ نوروزی، نصرالله (۱۳۹۸). *طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت مربی پیش‌دبستانی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*. مجله علمی پژوهشی پژوهش در برنامه درسی، دوره ۲، شماره ۱، ص ۲۹-۱.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹). *نسبت برنامه درسی با زمان*. چاپ‌نشده.
- مهرمحمدی محمود و همکاران (۱۳۹۳). *برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*. تهران: انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- موسی پور نعمت‌الله (۱۳۷۸). *روند تحولات عنصر زمان در برنامه‌های درسی مقطع ابتدایی ایران (۱۳۷۷-۱۳۸۸ ه.ش)*. فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۱۵، شماره ۱، ص ۹۷-۱۱۶.
- موسی پور، نعمت‌الله (۱۳۸۵). *زمان آموزش*، سند ملی آموزش، کمیته مطالعات نظری خرده نظام برنامه‌ریزی درسی و تکنولوژی آموزشی، تهران.

- Anderson, L. (1983): *"Instruction and Time – on – Task: A Review"*. NASSP Curriculum Report, 10.
- Cott, Kathleen. (1989). *Educational time factors*. Available at: <http://www.nwrel.org/scpd/sirs/9/cu2.html>.
- Eisner, E. (2002). *The Arts and the Creation of Mind*. Yale University Press, New Haven.
- Fisher, C.W, and D.C.Berliner (edu). (1985): *Perspectives on Instructional Time*, New York. Langman.
- Kilpatrick Jeremy, and Swafford Jane, (2012). *helping children learn mathematics, translated version*.
- Klein, M. F. (1985). *Curriculum design*. *International Encyclopedia of Curriculum*, Arie Lewy (Ed.), pp. 1163-1169.
- Klein, M.F. (1991). *A conceptual framework for curriculum decision making*. In M.F. Klein (Ed.), *The politics of curriculum decision making: Issues in centralizing the curriculum* (pp. 1-41). New York: State University of New York Press.
- Taba, H. (1962). *Curriculum development: theory and practice*. New York, NY: Harcourt, Brace & World.